

۱۱۳، ۱۹۴) و علمای غزه، دمشق، حلب، آذربایجان، تونس، دیار بکر و... خواستار اجازه روایت شدند (همو، ۱۱۴، ۱۱۸)؛ همچنین، در وصف آن اشعاری چند سروده شده است (نک: جبرتی، ۱۴۴/۴-۱۴۵؛ شلاش، ۱۹۱).

پژوهشگران معاصر نیز گاه به تاج العروس عنایت داشته‌اند. از جمله عطاردی خوبشانی، نام همه کسانی را که زبیدی به آنها استاد کرده، در دو جلد به نام *الرجال فی تاج العروس* گرد آورده است (چ حیدرآباد دکن، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م). همچنین شوقی معری در پایان‌نامه دکتری خود، همه مسائل مربوط به دستور زبان کتاب را به نام *معجم مسائل النحو و الصرف فی تاج العروس* استخراج کرده است (بیروت، ۱۹۹۶م). هاشم طه شلاش نیز در تز دکتری خود به نام *الزبیدی فی کتابه تاج العروس*، بعد از پرداختن به زندگی‌نامه مؤلف، سعی کرده است به تفصیل چگونگی کار زبیدی را در *تاج العروس* بررسی کند (بغداد، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م).

*تاج العروس* نخستین بار در ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق به طور ناقص در ۵ مجلد به چاپ رسید، سپس در ۱۳۰۷ق در ۱۰ مجلد به طور کامل چاپ شد، اما این چاپ نیز کاستیهای فراوانی داشت، تا آنکه چاپخانه دارالفکر در بیروت (بدون ذکر سال چاپ) به سرپرستی جواد علی این کتاب را به شکلی مقبول به چاپ رساند. لنین آن را به انگلیسی ترجمه کرده، و *مد القاموس* (بیروت، ۱۹۸۰م) نام نهاده است. عاصم افندی نیز این کتاب را به ترکی ترجمه کرده است (نک: لنین، مقدمه، ۱۹؛ شلاش، ۱۹۳).

مآخذ: *تاج العروس*، کویت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م؛ جبرتی، عبدالرحمان، *عجائب الآثار*، به کوشش حسن محمد جوهر و دیگران، قاهره، ۱۹۶۵م؛ حجوی، محمد، *التکملة و الصلة و الذیل*، *مجلة المجمع العلمی العربی*، دمشق، ۱۹۳۲م، ج ۱۲، ش ۱ و ۲؛ درویش، عبدالله، *المعجم العربیة*، قاهره، ۱۹۵۶م؛ شرفاری اقبال، احمد، *معجم المعاجم*، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ شلاش، هاشم طه، *الزبیدی فی کتابه تاج العروس*، بغداد، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ صدیق حسن‌خان، محمد صدیق، *ایجد العلوم*، به کوشش عبدالجبار زکار، دمشق، ۱۹۸۹م؛ فراج، عبدالستار احمد، *مقدمه بر تاج العروس* (هد)، قاسم، ریاض زکی، *المعجم العربی*، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ *قاموس*، بیروت، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۷م؛ نیز:

GAS; Haywood, J. A., *Arabic Lexicography*, Leiden, 1965; Lane, E. W., *An Arabic - English Lexicon*, Beirut, 1980.

رضوان مساح

**تاجُ العُلَماء**، علی محمد فرزند محمد بن دلداری نقوی نصیرآبادی (۱۲۶۲-۱۳۱۲ق/۱۸۴۶-۱۸۹۴م)، فقیه و اصولی شیعی و نویسندهٔ پرکار لکهنوی.

تاج العلماء در خاندانی اهل علم از ققیهان اصولی نصیرآباد لکهنو متولد شد (برای اختلاف در تاریخ تولد، نک: لکهنوی، ۱۵۳/۲؛ صدرالافاضل، ۳۶۵؛ آقابزرگ، *طبقات*، ۱(۴)/۱۶۲۴؛ حسینی، ۴۱۲/۱). پدر او سلطان العلماء از عالمان بزرگ بود و برخی از او با عنوان مجتهد زمان و مروج دین یاد کرده‌اند

به ریشه‌یابی لغات معرب پرداخته است (مثلاً نک: تاج، ذیل واژه‌های فرنجمشک، سدیر، فرهادجرد، نرد، اصبهان و شیرین؛ نیز نک: شلاش، ۸۱-۷۶، ۱۴۰، ۲۳۱، ۲۳۴). از جمله منابع وی در این زمینه می‌توان به *المعرب جوالیقی*، *شفاء الغلیل خفاجی*، *برهان قاطع و دیوان سنایی* اشاره کرد (تاج، ۶/۱، ۹؛ شلاش، ۷۸-۷۹).

اگرچه زبیدی اساس کار خود را حدود ۲۰ نسخه از *قاموس* قرار داده بود (شلاش، ۲۳۸-۲۴۰)، اما لنین (مقدمه، ۱۹-۲۰) را اعتقاد بر این است که سه‌چهارم یا نه‌دهم تاج برگرفته از *لسان‌العرب* است (نیز نک: هیوود، همانجا). با این همه، زبیدی حدود ۴۰ هزار ریشهٔ کلمه بر *لسان* افزوده است (شلاش، ۴۲۴؛ هیوود، ۸۱، که تاج را شامل ۱۲۰ هزار ریشهٔ کلمه دانسته است). زبیدی هنگام استفاده از نسخه‌های متعدد کتابهای دیگر، با حفظ امانت، به نسخه بدلها نیز اشاره دارد (شلاش، ۲۴۴-۲۴۷).

یادآوری این نکته لازم است که زبیدی کتابی به نام *التکملة و الصلة و الذیل لمافات صاحب القاموس من اللغة* داشته است. اگر چه وی در مقدمهٔ *تاج* بدان اشاره کرده است (۴۱/۱)، اما گویا آن زمان، آن را به انتها نرسانده بود و به موازات تألیف *تاج*، *التکملة* را هم در دست تألیف داشته است (در این باره، نک: حجوی، ۱۰۶-۱۰۹؛ شلاش، ۱۴۰-۱۴۵).

گفته‌اند: وی را زمان مرگ بیش از ۲۵ هزار کتاب بوده که از بیشتر آنها، در شرح *قاموس* بهره برده است (همو، ۷۱-۷۶).

زبیدی در تنظیم واژه‌ها همچون فیروزآبادی، روش پایانی - الفبایی را که همان «روش قافیه‌ای» یا «روش باب و فصل» بود، برگزید. در این روش با توجه به حرف پایانی کلمه، آن را بر اساس ترتیب الفبایی در باب مخصوص آن حرف جای می‌دهند. سپس با رعایت حرف اول و دوم و سوم و چهارم واژه، آن را در فصلی که درون این باب قرار دارد، می‌نهند. به عبارت دیگر، الگوی اصلی برای یافتن ریشهٔ سه حرفی «فعل» به این ترتیب است: اول، ل؛ دوم، ف؛ سوم، ع. بنابر آنچه گذشت، کتاب ۲۸ باب، و هر باب ۲۸ فصل به شمارهٔ حروف الفبا خواهد داشت. البته در برخی از بابها، شمارهٔ فصول به ۲۸ نمی‌رسد، مانند باب *حاء*، *سین*، *شین* و *ظاء* (نک: تاج، ذیل همین حروف؛ نیز: شلاش، ۴۲۱-۴۲۳).

وی گاه به تاریخ پایان‌گیری حرفی که در دست تألیف داشته، اشاره کرده است (نک: فراج، «ک»؛ شلاش، ۱۸۴-۱۸۶) و در پایان کتاب نیز تصریح می‌کند این کار در رجب ۱۱۸۸ به انتها رسیده است (فراج، «دی»؛ شلاش، ۱۸۶). بنا بر آنچه زبیدی خود بدان اشاره کرده است، بعد از اتمام *تاج العروس* این کتاب از استقبال بسیاری برخوردار شد. مثلاً بزرگانی چون سلطان دارفور، پادشاه مغرب و روم یک نسخه از کتابش را درخواست کردند (صدیق حسن‌خان، ۳/۳؛ شرفاری اقبال، ۲۳۶؛ شلاش،

(آقابزرگ، *الذریعة*، ۱۲۰/۴). نیای او، دلدار علی نیز اهل علم و دارای اشتها فراوان بوده است. تاج العلماء علوم اولیه را نزد بزرگانی همچون محمدعلی لکهنوی، ملقب به قائم‌الدین، محمد عباس شوشتری و احمدعلی احمدآبادی فراگرفت و سپس نزد پدرش به آموختن فقه، اصول و برخی علوم عقلی و نقلی پرداخت. پس از درگذشت پدرش (۱۲۸۴ یا ۱۲۸۵ق)، برای زیارت عتبات و بهره‌گیری از عالمان آن دیار راهی کربلا شد. وی که در آن زمان به حد مطلوبی از رشد علمی رسیده، و آثار متعددی را تألیف نموده بود، در آنجا با اکرام و احترام برخی بزرگان همچون میرزا علی نقی طباطبایی روبه‌رو شد. طباطبایی طی اجازه‌ای در روایت، به یادکرد جایگاه علمی او و خاندانش نیز پرداخت (لکهنوی، ۱۵۳/۲-۱۵۶). او همچنین برخی از عالمان شیعی آن دیار چون زین العابدین مازندرانی، علی بحرالعلوم، راضی نجفی و حسین فاضل اردکانی را درک، و از همه آنها اجازه‌ی روایت دریافت کرد (همو، ۱۵۶/۲-۱۵۷؛ صدرالافاضل، ۳۶۶؛ حسینی، همانجا). بر پایه‌ی تاریخ این اجازات که حدود ماههای شوال تا ذیقعدة را شامل می‌شود، به نظر نمی‌رسد که بیش از چند ماه در آن دیار مانده باشد (همانجا). ظاهراً پس از این سفر به سرزمین خود بازگشته، و زمانی دیگر برای ادای فریضة حج راهی حجاز شده است (صدرالافاضل، همانجا). او افزون بر تربیت شاگردان بسیاری که نام آنها در منابع آمده است، مدتها امامت مسجدجامع «باغ نواب» را بر عهده داشت. تاج العلماء در لکهنو از دنیا رفت (لکهنوی، ۱۵۷/۲-۱۵۹).

**شخصیت علمی و اجتماعی:** درباره‌ی جایگاه علمی تاج العلماء نزد عالمان امامی، کافی است به بیان آقابزرگ در یادکرد جایگاه علم قرآن و تفسیر نزد شیعیان اشاره شود. وی ضمن گرامی‌داشت علم تفسیر و مفسران شیعی، در فهرست ارائه شده خود که با ابان بن تغلب آغاز گشته، نام تاج العلماء را در کنار کسانی چون سیدمرتضی، طبرسی، قطب راوندی و طریحی آورده است (*الذریعة*، ۲۳۳/۴). اما واقعیت این است که اهمیت وی تنها به سبب جایگاه او در میان امامیان نیست؛ چه، حضور او در متن جامعه‌ی هند، او را با گروههای گوناگونی از پیروان و صاحبان اندیشه‌های مختلف پیوند داده است. نخست باید دانست که برخلاف انبوهی آثار تألیفی تاج العلماء، از زندگی علمی وی اطلاع مشخصی در منابع دیده نمی‌شود. بر همین اساس، با بهره‌گیری از عنوانهای آثار وی و نگاهی کلی به آنچه در جامعه علمی آن زمان مسلمانان هند، وجود داشته است، می‌توان شکل تقریباً روشنی از زیست علمی او ترسیم کرد. آنچه در نگاهی گذرا به زندگی‌نامه و فهرست آثار تاج العلماء توجه را به خود جلب می‌کند، ابعاد چندگانه شخصیت اجتماعی-علمی اوست: در بعد مذهبی، فقهی اصولی در مذهب امامیه، در بعد اجتماعی،

مسلمانی شدیداً وابسته به شیوه‌های سنتی در آراء نظری و عملی، و در بعد فرادینی، پرجوش در ارتباط با پیروان ادیان و فرق گوناگون. حضور انگلیسیها در هند، و نوع نگرش مسلمانان آن دیار به این حضور، بروز اندیشه‌های جدید در میان ایشان، گرایش و توجه شدید جامعه اسلامی هند به مفهوم حکومت، و نیز تقابل اندیشه‌های متعارض به ویژه در میان فرق و ادیان گوناگون در متن کلی جامعه هند، در کنار برخی آراء معارض درون محافل امامی، و کیفیت و میزان حضور حلقه‌های اخباری و اصولی در هند و عراق، در شخصیت علمی و اجتماعی تاج العلماء اثر داشته است که بازتاب آشکار آنها را می‌توان به روشنی در حیات علمی او مشاهده نمود.

در حالی که با فزونی قدرت حلقه اصولی در عراق و ضعف روزافزون اخباریان، دامنه نفوذ پیروان اندیشه اخباری بسیار محدود گشته بود، هنوز هند میدانی برای تقابل اندیشه اخباری و اصولی بود. تاج العلماء که در خاندانی از فقیهان مجتهد اصولی رشد یافته بود، به عنوان یکی از مهم‌ترین کسان در حلقه لکهنو، ضمن سفر به عراق، با حضور در جمع اصولیان آن دیار، آثار برخی از قدما و اندیشمندان مؤثر در اندیشه اصولی، همچون صاحب جواهر، کاشف الغطاء، بحرالعلوم و به ویژه محمدباقر بهبهانی را از مشایخ عراقی زمان خود فراگرفت (نک: لکهنوی، ۱۵۴/۲-۱۵۵). بدین ترتیب، همان‌گونه که طباطبایی نیز در صورت اجازه خود به وی اشاره کرده است، توانست در لکهنو به نشر دانش پردازد و حلقه اصولیان آن دیار را پر توان‌تر، در برابر اخباریان پروراند. فهرستی که صدرالافاضل از برخی از شاگردان او به دست داده است و تأکید او بر مجتهد بودن ایشان، کاملاً جلب نظر می‌کند و نشان می‌دهد که مکتب اصولی تاج العلماء بسیاری کسان را پرورده است (نک: ص ۳۶۷-۳۶۸).

وی برای تثبیت و تبیین اصول عقاید فقهی خود، کتابی با عنوان *عماد الاجتهاد در فقه استدلالی* تألیف کرد (لکهنوی، ۱۶۲/۲؛ آقابزرگ، همان، ۳۳۰/۱۵)؛ افزون بر این، به تألیف آثار بسیاری نیز دست زده که نشان از تقابل او با اخباریان دارد. آثاری چون *الاذانیة، جنة الله الواقیة* رساله‌ای در رد برخی از اخباریان، *نصر المؤمنین* در رد میرزا محمد اخباری، و نیز رساله مختصری در جواب رقعه یک اخباری نمونه‌هایی از ردیه‌های وی بر اخباریان است. او همچنین با تألیف کتاب فقهی *فصل الخطاب فی حلیة شرب التتن* با ترجمه فارسی آن با عنوان *الخطاب الفاصل* به بیان آراء اصولی در قبال نظریات فقیهان اخباری در این باره پرداخته است (لکهنوی، ۱۶۰/۲-۱۶۲؛ آقابزرگ، همان، ۴۰۶/۱، ۱۵۹/۵، ۲۲۹/۱۶؛ مدرس، ۳۱۹/۱). به نظر می‌رسد که درخواست جوابیه به عنوان حکم در مناظره یک شیخی (با توجه به نزدیکی به اخباریان) به نام شیخ محمدعلی با حسام الاسلام سیدنثار حسین

رسیده است (نک: لکهنوی، ۱۶۰/۲-۱۶۳؛ صدرالافاضل، ۳۶۸؛ آقابزرگ، الذریعة، ۷۱/۱۹-۷۲).

مسئله دیگر رویارویی تاج العلماء با نواندیشی دینی است که شاخص آن در سده ۱۳ ق سر سید احمدخان (د ۱۳۱۶ ق/۱۸۹۸ م) است؛ تفکر عقلانی جدید که سید احمدخان بر آن پای می‌فشرد و از سویی نظر وی دربارهٔ مماشات با انگلیسیها و دوری از تخاصم، اسباب بروز بسیاری از بحث و جدلها را در محیط عالمان مسلمان آن دیار برانگیخته بود. تاج العلماء به عنوان فقیهی سنت گرا، با آنچه به عنوان نگاه عقل‌گرایانه، با منظر فطرت انسانی و طبیعت‌گرایی در عقاید سید احمدخان بروز می‌یافت، و نیز نگرش کاملاً عقلی وی نسبت به اصول و مبانی دینی (نک: ه، ۲۴۷/۹؛ اسمیت، 15 ff.) که به اندیشه «نیجری» و طبیعی شهرت داشت، شدیداً مخالف بود. تاج العلماء به مثابه یکی از مؤثرترین شخصیت‌های حلقهٔ امامی شیعیان لکهنو، در حواشی القرآن (چاپ شده) خود با نگاهی انتقادی به آراء سیداحمد که به ویژه در تفسیر وی موسوم به تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان بازتاب داشت، نظریات او را که با شیوهٔ عمومی تفکر مسلمانان هند ناسازگار بود، به نقد کشید. وی در اثر دیگر خود با عنوان الاحتجاج العلوی یا ضربت علویه (فارسی) به رد آراء نیجری - که به دهی نیز شهرت داشت - پرداخت (لکهنوی، ۱۶۱/۲؛ آقابزرگ، الذریعة، ۲۸۳/۱، ۱۱۶/۱۵). البته برخلاف تقابل اندیشهٔ تاج العلماء با سید احمدخان در موضوع طبیعت‌گرایی، در مواردی نیز با وی دارای موضعی یکسان بود که حمایت از زبان اردو یکی از آنهاست.

در تقابل زبان اردو (مورد پذیرش مسلمانان هند) با زبان هندو (زبان هندوان) و تثبیت یکی از آن دو، انگلیسیها از زبان هندو جانبداری می‌کردند. طرح مسئلهٔ خط و زبان رسمی در دادگاهها و مراجع عمومی که در ۱۲۸۷ ق/۱۸۷۰ م بیان شد، و متعاقب آن طرح رسمیت یافتن زبان هندو در مدارس ابتدایی در ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۲ م، و پشتیبانی انگلیسیها از زبان هندو، میان جامعهٔ بزرگ مسلمان و هندو کشمکشهای فراوانی به بار آورد (احمد، 260-261). تشکیل «انجمن حمایت اردو» توسط سید احمدخان و سپس «جامعهٔ دفاع از اردو» و جامعهٔ مشابهی در لکهنو آشکارا جنبشی در مقابله با این امر بود (زکریا، 13 ff.؛ هاردی، ۱۸۹ ب). در چنین فضایی تاج العلماء تألیف و ترجمه به زبان اردو را آغاز کرد. او قرآن کریم را به زبان اردو ترجمه کرد (آقابزرگ، همان، ۱۲۷/۴). افزون بر ترجمه‌ای از مفاهیم نماز و نیز ترجمهٔ الفیهٔ شهید به این زبان، در یک نگاه کلی می‌توان گفت: آثار اردوی او بیشتر دارای زمینه‌های اصلی مواعظ و اخلاق هستند. آثاری مانند الارشادیه (المواعظ الجنفوریة)؛ تحفة الواعظین؛ ذرّ بی بها؛ شرح زیارة الناحیه؛ مواعظ اکبرپوریة؛ مواعظ جوادیة و

(نک: صدرالافاضل، ۳۶۶) نیز در همین راستا بوده باشد.

وجود برخی نشانه‌ها، بیانگر اعتدال و میانه‌روی در فقه اصولی تاج العلماء است که توجه او به درایه و آثار خاصی از شیخ بهایی نشان از این امر دارد. تألیف ۳ شرح صغیر و وسیط و کبیر بر الوجیزة شیخ بهایی در علم درایه، به نامهای الجوهرة العزیزة (یا نهیة الدرایة؛ چ سنگی لکهنو)، سلسله الذهب و شرح صغیر، بیانگر چگونگی نگاه وی به جایگاه خیر و نیز تلاش برای حفظ تعادل در این اندیشه است. به این فهرست باید شرحی بر زبدة الاصول شیخ بهایی را نیز افزود (همو، ۳۶۸؛ لکهنوی، مدرس، همانجاها؛ آقابزرگ، طبقات، ۱۶۲۵/۴). همچنین نباید از نظر دور داشت که در زندگی‌نامه، اجازات و آثار تاج العلماء، نام و یاد او از اندیشهٔ اصول‌گرای شخصی چون شیخ انصاری، به عنوان نماد اصول جدید امامیه به چشم نمی‌خورد.

به هر روی، باید پذیرفت که جایگاه علمی او به عنوان یک مجتهد چنان بود که از بسیاری شهرهای مختلف نامه‌ها و رسالات پرسشی برای حل مشکلات فقهی نزد او فرستاده می‌شد. وجود برخی جوابیه‌های او حکایت از همین امر دارد که برای نمونه به برخی از آنها همچون جواب مسائل حیدرآبادیه و جواب مسألهٔ لندنیه (فارسی) در نجاست اهل کتاب (لکهنوی، ۱۶۱/۲؛ صدرالافاضل، همانجا؛ آقابزرگ، الذریعة، ۲۱۹/۵) می‌توان اشاره کرد. در این میان، اثر اخیر میزان ارتباط تنگاتنگ مسلمانان با پیروان دیگر ادیان در هند را به روشنی نشان می‌دهد و به طور طبیعی از موضوعات مبتلابه مسلمانان در این باره، مبحث طعام اهل کتاب بوده است. جوابیه‌های تاج العلماء به بسیاری از استفتائات دربارهٔ مسئلهٔ حرمت طعام اهل کتاب همچون الذبیحة (چ سنگی لکهنو، ۱۲۸۶ ق)، الاستفتاء (چ سنگی لکهنو، ۱۲۸۹ ق)، و جواب مسئلهٔ الطعام (فارسی؛ چاپی) از این دست است. دربارهٔ میزان ارتباط پیروان این ادیان، آنچه به عنوان رساله در نجاست کفار نیز آقابزرگ (طبقات، همانجا) از آن یاد کرده، قابل توجه است.

دربارهٔ آثار فقهی تاج العلماء باید گفت که وی افزون بر برخی تک‌نگاریها، آثاری چون رسالهٔ حکمیه، رساله در نماز جمعه، رسالهٔ قصاص، مسئلهٔ ربائیة، مناسک الحج، و نیز وقایة الذمار، به مبحث صوم نیز توجه ویژه داشته است. وی افزون بر ارشاد الصائمین الی احکام الدین، در اثری با عنوان المتن المتین با بذل توجه به مبحث روزه، رأی و حکم خود دربارهٔ مفطر نبودن غبار و دخان را بیان داشته است. این اثر را محمد حسین شهرستانی در کتابی با عنوان الشرح المبین به نقد کشیده، و تاج العلماء در دفاع از رأی خود، التعلیق الانبیق را تألیف کرده است. این مجموعه با هم و یکجا در لکهنو به صورت سنگی به چاپ

مواظف یونسیه را می‌توان در این گروه قرار داد که غالباً هم انتشار یافته‌اند (نک: لکهنوی، ۱۶۰/۲-۱۶۲؛ صدرالافاضل، ۳۶۸؛ مدرس، ۳۲۰/۱؛ نیز منزوی، ۲۲۳۴/۴). دور نیست که تألیف کتاب *تنبيه الاطفال* در تربیت کودکان، به همین زبان (نک: رضوی، II/149)، گونه‌ای از موضع‌گیری او در برابر طرح بیان شده در ۱۲۹۹ق برای مدارس ابتدایی بوده باشد.

در آنچه به مقابله با انگلیسیها مربوط می‌شد، صرفاً از آن رو که تاج العلماء با مخاصمه و جنگ با ایشان مخالف بود (برای چنین موضعی از سوی سیداحمد، نک: فخرداعی، ۱/«ج»)، در کنار سیداحمد جای می‌گرفت. این بدان معناست که تاج العلماء نیز همچون سیداحمد وجود مشکل در نوع اندیشه سیاسی حکومتی مسلمانان هند و ضعف ناشی از آن را حس می‌کرد، و حتی بر همین اساس به تألیف اثری درباره‌ی جرایب این مشکل با عنوان *ملال سبب ضعف ریاست اسلام و علاج آن* (لکهنوی، ۱۶۲/۲) پرداخت؛ اما راه‌هایی را در شورش و جنگ نمی‌دید. او که به مبحث سیاست و حکومت توجه داشت و حتی کتاب *مسائل عجیبه* را در سیاست مدن (همانجا) تألیف نمود، با برخی شالوده‌های فکری بر اساس عقاید امامی درباره‌ی غیبت، در رساله‌ی *با عنوان عدم جواز جهاد در غیبت امام زمان (ع)* (صدرالافاضل، همانجا)، رأی خود را در این باره تبیین نمود. در منابع اثری با عنوان *رساله جهادیه* در فقه نیز از او یاد شده است (لکهنوی، ۱۶۱/۲؛ آقابزرگ، همان، ۲۹۷/۵) که دور نیست با اثر پیش یاد شده هماهنگی‌هایی داشته باشد.

آنچه به عنوان باورهای امامی بدان اشاره شد، به ویژه در دو گروه از آثار وی، یعنی ترجمه‌ها و شروح بر *نهج البلاغه* و برخی ادعیه و آثاری در بیان اندیشه امامیان در مواردی چون تقیه، غدیر خم و جز آن در مجموعه تألیفهای تاج العلماء قابل پی‌گیری است (نقوی، ۱۰۵/۱؛ لکهنوی، ۱۶۲-۱۶۱/۲؛ آقابزرگ، همان، ۱۸، ۱۷۳/۱۰، ۲۱۴/۱۳، ۲۲۴). در این میان، ترجمه فارسی او از دعای عدیله و شرح زیارت ناحیه با عنوان *موعظه عظیم آبادیه* به اردو (چاپی) به ویژه به سبب ارتباط آنها با امام زمان (ع) قابل توجه است (همان، ۱۰۲/۴، ۲۵۴/۱۳، ۲۷۱/۲۳). گفتنی است که هم او و هم شاگرد وی، ابوالحسن علی بن نقی شاه کشمیری لکهنوی (که *سواء السبیل* را در شرح *الزاد القلیل* استادش تألیف کرده، نک: همان، ۲۳۹/۱۲)، هر دو در اثبات وقوع ازدواج قاسم بن حسن آثاری تألیف کرده‌اند (همان، ۲۶۴/۶، ۴/۱۷). از جمله موضوعات مورد توجه تاج العلماء، مبحث اخلاق بوده که گاه با توجه به زندگانی و اخلاق امامان و بزرگان دین بدان پرداخته است. از جمله این آثار است: *خلق حسنی، الخلق الحسینی، خلق محمدی*، و نیز *رساله فی الاخلاق و شرح اخلاق ناصری* از خواجه نصیرالدین طوسی (همان، ۲۴۵/۷؛ لکهنوی، ۱۶۲/۲).

از برخی اطلاعات موجود در منابع چنین برمی‌آید که وی با اهل کتاب ارتباط داشته است. این رابطه‌ها تا آنجاست که چون تاج العلماء بیمار می‌شود، حتی یکی از کشیشان آن دیار برای عیادت، به دیدن او می‌رود و در آن ملاقات برخی مفاهیم اعتقادی نیز به مباحثه گذارده می‌شود (صدرالافاضل، ۳۶۶-۳۶۷؛ رضوی، همانجا). این مطلب خود نشان دهنده میزان ارتباط نزدیک مسلمانان با اهل کتاب در آن سرزمین است، و انبوهی آثار تاج العلماء هم که غالباً به شکل ردیه نمود یافته، در همین راستا است. *الاحتجاج العلوی* در مناظره با پیروان دیگر ادیان و فرق؛ رد بر کشیش عمادالدین؛ *رساله فی السم اليهودیه للنسی*؛ *الصولة العلویة للذب عن الملة المحمدیه* (فارسی)؛ *عماد الدین ملاذ المؤمنین* در رد بر نصارا؛ *لحن داوودی* در رد بر کتاب *نعمه طنپوری* اثر یکی از نصارا؛ و *یهودیه* (لکهنوی، ۱۶۱/۲-۱۶۲؛ صدرالافاضل، ۳۶۸؛ آقابزرگ، همان، ۲۳۲/۱۲، ۳۳۱/۱۵، ۲۹۷/۱۸) نمونه‌هایی از این دست آثار هستند. همچنین وی در اثری با عنوان *الاثنا عشریه فی بشارة الاحمدیه*، به استخراج بشاراتی درباره‌ی رسالت حضرت محمد (ص) در عهدین پرداخته است (مشار، فهرست... ۱۸، مؤلفین... ۵۹۶/۴).

به نظر می‌رسد نوع ارتباط میان مسلمانان و به ویژه مسیحیان، خاصه در برخی زمینه‌های کلامی، گونه‌ای از تقابل فرهنگی - دینی را موجب شده بوده است؛ برای نمونه با توجه به جواز به تصویر کشیدن و نیز تجسیم بزرگان دین مسیحی همچون ساخت پیکره حضرت عیسی (ع)، و بازخورد آن در فرهنگ اسلامی، کسی چون تاج العلماء را بر آن می‌دارد که به تألیف اثری در این باره پردازد؛ این مطلبی است که نیاز پاسخ‌گویی بدان احساس می‌شده است. این مبحث را که شیخ طوسی نیز بدان توجه داشته (نک: آقابزرگ، همان، ۳۴۳/۱۵)، تاج العلماء در اثر فارسی خود، *عدیمة المثالیة فی تجویز التصوير غیر المجسم* بررسی کرده است (لکهنوی، ۱۶۰/۲؛ آقابزرگ، طبقات، ۱/۱۶۲۶).

این‌گونه برداشت کلامی را در نگاه تاج العلماء از برخی مفاهیم اسلامی خاص نیز می‌توان بازجست. بررسی مسائلی جدی در کلام اسلامی همچون توحید و عدل، در اثری با عنوان *الزاد القلیل* (ج ۱۳۲۸ق)، یا مبحث عصمت حضرت آدم (ع)، در جوابیه‌ای به مسائلی مطرح شده از زنگبار (*جواب المسائل الزنجباریه*) که چاپ سنگی آن هم در لکهنو صورت پذیرفته، از این دست است. به این مجموعه می‌توان آثاری مانند کتاب *طریق النجاة فی بعض المسائل الکلامیه* (فارسی) (آقابزرگ، *الذریعة*، ۱۷۰-۱۶۹/۱۵)، و مبحثی کاربردی در رساله‌ای کلامی درباره‌ی مسئله سرتراشیدن (لکهنوی، ۱۶۲/۲) را نیز افزود. تاج العلماء آثاری در زمینه منطق هم تألیف نموده است (نک: همو،

یک سو نشانی بر تاریخ تقریبی دوران زندگانی اوست؛ چرا که ناگزیر پیش از قتل ایرانشاه (۴۹۵ق/۱۱۰۲م)، عالمی مشهور و با نفوذ بوده است. از دیگر سو، به نظر می‌رسد که شهرت فتوای او به همراه جمعی از علما در ارتداد ایرانشاه، برخی از متأخران را متقاعد کرده باشد که وی فقیه و قاضی نیز بوده است (نک: حاجی خلیفه، ۱۱۹۷/۲؛ وزیری، ۳۶۳)؛ حال آنکه لایبالیگری و گستاخیهای ایرانشاه، علمای اصناف مختلف را برضد او شورانده بود و اعلان ارتداد او را نیز توسط تاج‌القراء در کنار دیگر عالمان، لزوماً حکمی فقیهانه نمی‌توان قلمداد کرد (نک: محمد بن ابراهیم، ۳۱-۳۰).

دو بیت شعر از او در باب «اسباب منع صرف» نزد تذکره‌نویسان مشهور بوده است (نک: یاقوت، ۲۶۸۷/۶؛ سیوطی، بغیة...، ۳۸۷)، اما قرینه دیگری حاکی از شاعری او در دست نیست. گویا کحاله به سبب همین دو بیت، به خطا چنان استنباط کرده که تاج‌القراء در باب «موانع صرف» در علم نحو نیز کتاب نوشته است (۱۶۱/۱۱).

ابن جزری گزارش کرده است که تاج‌القراء در حدود سال ۵۰۰ق/۱۱۰۷م زنده بوده، و وفات او پس از این تاریخ روی داده است (همانجا). زرکلی نیز مستقل از منابعی که ارجاع داده، فوت او را در ۵۰۵ق دانسته است (۱۶۸/۷). درباره استادان او، حتی ابن جزری نیز اظهار بی‌خبری می‌کند (همانجا). شاید ناشناخته بودن استادان تاج‌القراء، از آن روست که در تمام عمر، از کرمان خارج نشده، و به مسافرت و صدور اجازه برای شاگردانی در بلاد مختلف نپرداخته است (نک: یاقوت، ۳۶۸۶/۶). در هر حال، خود وی در آغاز لباب التفاسیر یکی از استادان خویش، ابوسهل محمد بن عبدالرحمان بن ابی فضل نیشابوری را نام برده است (ریو، همانجا).

یاقوت به شاگردی نصر بن علی بن محمد، معروف به ابن ابی مریم فسوی [= فسایی] نزد او اشاره دارد (۲۷۴۹/۶؛ نیز نک: بانکیبور، شم 1334). جنید شیرازی افزون بر فسوی، ابوعبدالله عمر بن ابی نجیب شیرازی را نیز شاگرد وی دانسته است (نک: ص ۴۰۲، ۴۰۶). به نظر می‌رسد همین اندازه شناخته شدن تاج‌القراء در میان تذکره‌نویسان غیرایرانی، مرهون نسخه‌های متعدد آثار اوست که در بلاد مختلف پراکنده بوده‌اند.

آثار: از میان آثار او به این چند نمونه می‌توان اشاره کرد: ۱. البرهان فی توجیه متشابه القرآن. در این کتاب تاج‌القراء کوشیده است با نقل اقوال قدما همراه آراء خویش ذیل هر یک از آیات قرآن کریم، حکمت تکرار برخی مضمونها و الفاظ، و اسباب تفاوت نقل را در مضمونهای متشابه بررسی کند (نک: سراسر کتاب)، بدون آنکه درصدد تفسیر آنها برآید (نک: ص ۱۹-۲۰). کمتر کسی در این زمینه تألیف کرده، و همچنان که خود نیز

۱۶۰/۲-۱۶۱: آقابزرگ، همان، ۲۸۲/۲۱؛ مشار، فهرست، ۲۶۵). در میان آثار کلامی تاج‌العلماء، تألیفات فارسی او همچون ضربت علویه و طریق النجاة قابل توجه است (لکهنوی، ۱۶۰/۲-۱۶۲: آقابزرگ، همان، ۱۶۹/۱۵-۱۷۰).

اساساً تاج‌العلماء با توجه به احاطه به زبانهای فارسی و اردو آثاری به این زبانها داشته است که در دو زمینه تألیف و ترجمه به چشم می‌خورد. با نگاهی آماری، در میان تألیفات فارسی وی، شمار آثار فقهی بیشتر به نظر می‌رسد: رساله‌ای در حلیت طعام (ظاهراً اهل کتاب)، فصل الخطاب، گوهر شب چراغ و وقایع النار (الذمار) از این دست‌اند (نک: همان، ۱۹۱/۵، ۲۵۰/۱۸؛ لکهنوی، ۱۶۱/۲-۱۶۲؛ نیز صدرالافاضل، ۳۶۸؛ مدرس، ۳۱۹/۱).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ همو، طبقات اعلام الشيعة، بخش نباء البشر، مشهد، ۱۴۰۴ق؛ حسینی، احمد، تراجم الرجال، قم، ۱۴۱۴ق؛ صدرالافاضل، مرتضی حسین، مطلع انوار، کراچی، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م؛ فخرداعی گیلانی، محمدتقی، مقدمه بر ترجمه و تفسیر القرآن سید احمدخان، تهران، علمی؛ لکهنوی، محمد مهدی، نجوم السماء، قم، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م؛ مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، تبریز، انتشارات شفق؛ مشار، خانابا، فهرست کتابهای چاپی عربی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ همو، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۲ش؛ منزوی، خطی مشترک؛ نقوی، حسین عارف، فهرست آثار چاپی شیعه در شبه قاره، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان؛ هاردي، پ.، مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد، ۱۳۶۹ش؛ نیز:

Ahmad, A., *Studies in Islamic Culture in the Indian Environment*, Lahore, 1970; Rizvi, A. A., *A Socio-intellectual History of the Isnā 'Asharī Shī'īs in India*, New Delhi, 1986; Smith, W. C., *Modern Islam in India*, London, 1946; Zakaria, R., introd. *Glimpses of Urdu Literature*, Bombay, 1961.

فرامرز حاج منوچهری

## تاج القراء، محمود بن حمزة بن نصر کرمانی، مفسر، قاری

و نحوی شافعی مذهب که در نیمه دوم سده ۵ و اوایل سده ۶ق می‌زیسته است. چنان که در برخی از منابع و نیز در مقدمه یکی از آثارش آمده، از دیگر القاب او برهان‌الدین بوده است (جنید، ۴۰۶؛ حاجی خلیفه، ۱۵۴۱/۲؛ ریو، 60). حاجی خلیفه لقب او را نورالدین نیز آورده است (۱۳۱/۱) که در منابع دیگر دیده نمی‌شود.

از آنجا که در روزگار تاج‌القراء مکتب ابن مهران نیشابوری در علم قرائت (نک: ه، ابن مهران، نیز اندرابی) پیروانی در کرمان داشته، و با توجه به اینکه تاج‌القراء خود کتاب ابن مهران را شرح کرده است، می‌توان از وابستگی او به این مکتب سخن گفت. یاقوت تاج‌القراء را از علمای بزرگ عهد خویش و اعجوبه‌ای در باریک‌بینی و حسن استنباط دانسته (۲۶۸۶/۶)، و ابن جزری نیز از وی به عنوان امامی بزرگ، محقق، موثق و دارای جایگاهی عالی یاد کرده است (۲۹۱/۲).

تاج‌القراء از علمایی است که به ارتداد و قتل ایرانشاه، از ملوک قراختایی کرمان، فتوا دادند (ناصرالدین، ۱۷). این خود از